

بررسی ماهیت و شیوع قلدری در مدارس راهنمایی روستاهای شهرستان زنجان

محمدعلی مظاهری تهرانی^۱

اسماعیل شیری^۲

مصطفی ولی پور^۳

تاریخ وصول: ۹۳/۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱۶

چکیده

تحقیقات تا به امروز حاکی از وقوع قلدری در هر مدرسه‌ای با درجات و شدت‌های متفاوت است که باعث آسیب جسمی و روان‌شناختی فرد قلدری کننده و قربانی می‌شود؛ لذا هدف این پژوهش عبارتست از بررسی شیوع قلدری در مدارس راهنمایی روستاهای شهرستان زنجان. نمونه این پژوهش به وسیله روش نمونه‌گیری در دسترس از ۴ مدرسه انتخاب گردید و با استفاده از پرسشنامه قلدری النا بوکلیرو و مارسلو داربو (۱۹۹۱)، ۱۳۲ پرسشنامه کامل جمع‌آوری شد. نتایج پژوهش نشان داد که حدود ۸۰٪ دانش‌آموزان معتقد به وجود قلدری، ۴۰/۹٪ دانش‌آموزان به‌عنوان شاهد قلدری، ۳۳/۳٪ قربانی قلدری و ۹/۸٪ به‌عنوان قلدر و ۱۶٪ آنان ترکیبی از این حالات را تجربه می‌کنند. نتایج پژوهش بیانگر این بود که ۵۷٪ موارد قلدری از نوع قلدری کلامی، ۴۰٪ از نوع فیزیکی و ۲/۵۶٪ از نوع اجتماعی/رابطه‌ای اتفاق می‌افتد. واکنش حدود ۵۷٪ دانش‌آموزان به قلدری، تقویت‌کننده آن و تنها کمتر از ۲۹٪ دانش‌آموزان واکنش‌های مبتنی بر عدم‌حمایت و تشویق قلدری نشان داده‌اند. همچنین نتایج نشان داد که به هنگام وقوع قلدری اقدامات مسئولین مدرسه در ۷۰٪ موارد موجب تقویت و در ۲۸/۸٪ موارد موجب کاهش قلدری در مدارس می‌شود. با توجه به آسیب‌های جسمی و روان‌شناختی و زمینه‌سازی قلدری برای آسیب روانی-اجتماعی در دانش‌آموزان و با توجه به اهمیت مدرسه هم به لحاظ وقوع و هم به لحاظ کنترل و پیشگیری قلدری می‌توان با اجرای سیاست‌های مشخص، ارائه آموزش‌های مناسب و اجرایی و برنامه‌های پیشگیری و مداخله

۱. دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه شهید بهشتی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه شهید بهشتی

مناسب در مدارس کشور از وقوع و ایجاد پیامدهای آسیب‌زا جلوگیری کرد.

واژگان کلیدی: ایران، دانش‌آموزان، شیوع، قلدری، مدارس

مقدمه

قلدری در سراسر جهان به‌عنوان یک مشکل عمومی و شایع در مدارس شناخته‌شده است (الویوس^۱، ۱۹۹۳؛ تاناکا^۲، ۲۰۰۱ و اندرو^۳ و همکاران، ۲۰۰۵) که موفقیت در مدرسه، مهارت‌های اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی^۴ را هم در قربانیان و هم در قلدرها تحت تأثیر قرار می‌دهد (رونالد^۵، ۲۰۰۲ و بولتون^۶ و همکاران، ۲۰۰۸). تحقیقات تا به امروز حاکی از آن است که در هر مدرسه‌ای می‌توان وقوع قلدری را با درجات و شدت‌های متفاوت پیش‌بینی کرد (اسمیت و بران^۷، ۲۰۰۰ و ویسنتر^۸ و همکاران، ۲۰۰۵). مطابق با نظرات پژوهشگران مختلف (الویوس^۹، ۱۹۹۳؛ هازلر^{۱۰}، ۱۹۹۶؛ ریگی^{۱۱}، ۱۹۹۶؛ رولاند^{۱۲}، ۲۰۰۲ و توفی^{۱۳}، ۲۰۰۸) قلدری، شکلی از رفتار پرخاشگرانه عمدی و تکراری است که به‌صورت فردی یا گروهی در بین کودکان و مخصوصاً در مدارس اتفاق می‌افتد. رفتار قلدری، از نیاز به سوءاستفاده از قدرت بر علیه دیگران و میل به تسلط بر آنها نشأت می‌گیرد و یک نابرابری قدرت بین قلدر و قربانی به وجود می‌آید. تعدادی از مطالعات (الویوس، ۱۹۹۳ و سوکلینگ و تمپل^{۱۴}، ۲۰۰۲) به طور مکرر نشان داده‌اند که انواع مختلفی از قلدری وجود دارد که عبارت‌اند از: فیزیکی (به‌عنوان مثال دعوا کردن، لگزدن و مشت

-
1. Olwius
 2. Tanaka
 3. Andreou
 4. Psychological Well-Being
 5. Ronald
 6. Boulton
 7. Smith&Brown
 8. Veenstra
 9. Olweus
 10. Hazler
 11. Rigby
 12. Roland
 13. Tofi
 14. Suckling&Temple

زدن)، کلامی (به‌عنوان مثال ناسزا گفتن، تهدید کردن، پخش شایعات تند و زننده)، رابطه‌ای / اجتماعی (به‌عنوان مثال اخراج کردن از بازی یا از گروه، نادیده گرفتن یا دعوت نکردن هم‌کلاسی به جشن). از این میان، قلدری فیزیکی و قلدری کلامی شکل مستقیم قلدری محسوب می‌شوند در حالی که قلدری رابطه‌ای / اجتماعی اشاره به شکل غیرمستقیم قلدری دارد. نتایج مطالعات در مورد قلدری مستقیم و غیرمستقیم به‌طور پیوسته نشان داده‌اند که پسرها بیشتر درگیر قلدری مستقیم و دخترها بیشتر درگیری قلدری غیرمستقیم می‌شوند (بورکوست^۱، ۱۹۹۴؛ اونس^۲، ۲۰۰۰).

الویوس (۱۹۹۱، ۱۹۹۱b) ویژگی‌های اصلی افراد قلدر را تکانشگری^۳، پرخاشگری^۴، قدرت فیزیکی^۵ و رفتار سلطه‌گرانه^۶ می‌داند. به نظر می‌رسد آن‌ها در مذاکراتشان^۷ برای حل تعارضات بین‌فردی منحصر راهبردهای پرخاشگرانه را اتخاذ می‌کنند و فاقد مهارت‌های جایگزین^۸ برای حل تعارض هستند (هوور^۹ و همکاران، ۱۹۹۲ و ولک^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۰). در رابطه با ویژگی‌های افراد درگیر در پدیده قلدری پژوهش‌ها مختلفی انجام شده است؛ به‌طوری که نتایج مطالعات نشان داده‌اند که افراد قلدر دارای نرخ بالای مشکلات مانند علائم افسردگی (کالتیالا-هینو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۰؛ سالمون^{۱۲} و همکاران، ۱۹۷۰؛ سیلز و یانگ^{۱۳}، ۲۰۰۳ و یانگ و همکاران، ۲۰۰۶)، افکار خودکشی (کالتیالا-هینو و همکاران، ۱۹۹۹ و وان در وال و همکاران، ۲۰۰۳)، علایم روان-تنی (فوررور^{۱۴} و همکاران، ۱۹۹۹ و کالتیالا-هینو و همکاران، ۲۰۰۰) و علایم اختلال سلوک

1. Bjorkqvist
2. Owens
3. Impulsivity
4. aggressiveness
5. physical power
6. dominant behavior
7. negotiating
8. alternative skills
9. Hoover
10. Wolke
11. Kaltiala & Heino
12. Salmon
13. seals & young
14. Foreror

(ولک و همکاران، ۲۰۰۰ و جونن^۱ همکاران، ۲۰۰۳) می‌باشند قربانیان که هدف رفتارهای قلدری هستند، دارای علائم بالای اضطراب و افسردگی (هوگز و پری^۲، ۱۹۹۹)، عزت‌نفس پایین، نشانه‌های روان‌تنی بالا^۳، اعتماد به نفس پایین (بولتون و اسمیت، ۱۹۹۴) و مهارت‌های اجتماعی ضعیف بوده (اگان و پری^۴، ۱۹۹۸) و در فعالیت‌های مدرسه شرکت فعال ندارند (کوچن درف و لادد^۵، ۱۹۹۷). قلدر / قربانیان^۶ افرادی هستند که هم به عنوان قلدر و هم به عنوان قربانی درگیر پدیده قلدری می‌شوند. قلدر / قربانیان دارای بالاترین سطح مشکلات سازگاری در بین کودکان درگیر در قلدری بوده و مشکلات درونی‌سازی شده^۷ و بیرونی‌سازی شده^۸ را نشان می‌دهند (نانسل^۹ و همکاران، ۲۰۰۱؛ جونن و همکاران، ۲۰۰۳؛ وینسترا^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۵ و گورگیو و استاورینیدس^{۱۱}، ۲۰۰۸) همچنین مشاهده شده است که این گروه با نشانه‌های بیش‌فعالی^{۱۲} مرتبط بوده و در برابر مشکلات روان‌شناختی آسیب‌پذیرتر هستند (کامپولاین^{۱۳} و همکاران، ۱۹۹۸). همچنین نتایج تحقیقات در مورد پیامدهای قلدری بر مسائل تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مدارس نشان داده‌اند که قلدری موجب ترس و غیبت از مدرسه، پیشرفت تحصیلی ضعیف (موسکاری^{۱۴}، ۲۰۰۲)، سازگاری اجتماعی پایین و مشکلات در تعامل دانش‌آموزان با مدرسه (داک^{۱۵} و همکاران، ۲۰۰۳) می‌شود. از طرف دیگر در مقایسه با افراد قلدر و قربانی و دیگر دانش‌آموزان غیر درگیر در قلدری، قلدرها بیشتر در معرض خطر پرسه زنی

-
1. Juvonen
 2. Hodges and perry
 3. psychosomatic symptoms
 4. Egan and perry
 5. Kochenderfer and ladd
 6. Bully/Victims
 7. internalizing
 8. externalizing
 9. Nansel
 10. Veenstra
 11. Georgiou and Stavrinides
 12. hyperactivity
 13. Kumpulaine
 14. Muscari
 15. Dake

(داک و همکاران، ۲۰۰۳)، فرار از مدرسه (جوونن^۱ و همکاران، ۲۰۰۳) و روابط ضعیف تر با همکلاسی‌های خود هستند (نانسل و همکاران، ۲۰۰۱). همچنین این اثرات منفی، رابطه قوی با ترک تحصیل دارد (نیوکومب و همکاران، ۲۰۰۲).

پدیده قلدری برای افراد درگیر در خود علاوه با آثار کوتاه‌مدت آثار ماندگارتر و بلندمدت‌تر نیز به دنبال دارد؛ مطالعات در مورد اثرات درازمدت قلدری نشان داده است که قربانیان در بزرگسالی در ریسک بالاتری از افسردگی، اعتمادبه‌نفس پایین (الویوس، ۱۹۹۳) و همچنین احتمال وجود مشکلات جنسی در زندگی زناشویی هستند (گیل مارتین، ۱۹۸۷). کومپلین و همکاران (۲۰۰۰) در یک مطالعه آینده‌نگر با نمونه ۱۳۰۰ نفر دریافتند که کودکانی که در سنین مدارس ابتدایی به‌عنوان قلدر/قربانی بودند و تا اوایل نوجوانی قربانی باقی ماندند، در سن ۱۵ سالگی نسبت به کودکان دیگر دارای علائم روان‌پزشکی بیشتری نسبت به سایر کودکان بودند. افراد قلدر در بزرگسالی در معرض مشارکت در فعالیت‌های غیر قانونی، محکوم شدن به حبس ابد (ویتنی و اسمیت^۲، ۱۹۹۳) و سوء استفاده از الکل^۳ بوده و طبق مطالعات الویوس حدود ۴۰٪ افرادی که سابقه قلدری در مدرسه داشتند، در سن ۲۴ سالگی داری سوابق جنایی^۴ بودند درحالی‌که گروه کنترل دارای ۱۰٪ سوابق جنایی بودند (الویوس، ۱۹۹۱). همچنین بعضی از قربانیان، قلدرها و قلدر/قربانیان ممکن است دارای افکار خودکشی^۵ باشند. پریویت^۶ (۱۹۹۸) نشان داد که قلدری با تلاش‌های خودکشی مرتبط بوده که بعضاً نیز موفقیت‌آمیز بوده‌اند. درنهایت قلدری می‌تواند یکی از دلایل ارجاع کودکان به مراکز روان‌پزشکی باشد (داوکینز^۷، ۱۹۹۵).

مطالعات همه‌گیرشناسی مختلفی (بولتون و اندرود^۸، ۱۹۹۲؛ لاگیرسپتز^۹ و همکاران، ۱۹۸۲) نشان داده‌اند که قلدری در بین پسران نسبت به دختران بیشتر اتفاق می‌افتد و پسران

1. jovenen
2. Whitney & Smith
3. alcohol abuse
4. Criminal
5. suicidal ideation
6. Prewitt
7. Dawkins
8. Boulton & Underwood
9. Lagerspetz

در مقایسه با دختران احتمال بیشتری دارد که به قلدر تبدیل شوند (بولتون و اسمیت، ۱۹۹۴). علاوه بر این ویتنی و اسمیت (۱۹۹۳) معتقدند که قلدری فیزیکی در بین کودکان خردسال نسبت به کودکان بزرگ‌تر بیشتر اتفاق می‌افتد. سازمان ملل متحد در زمینه‌یابی از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی دریافت که ۳۵٪ از دانش‌آموزان (سنین ۱۱ تا ۱۵) با دامنه درصدی از ۱۵٪ در سوئد و ۶۴٪ در لیتوانی، یک بازه زمانی دوماهه تحت قلدری قرار گرفته‌اند. در کشورهایمانند یونان دانش‌آموزان اعلام کردند که در دو ماه گذشته ۲۳٪ دختران و ۲۶٪ پسران، در امریکا ۳۳٪ دختران و ۳۶٪ پسران، در انگلستان ۳۲٪ دختران و ۳۲٪ پسران و در فرانسه ۳۶٪ دختران و ۳۴٪ پسران تحت قلدری قرار گرفته‌اند (پانایوتیس^۱ و همکاران، ۲۰۱۰).

مطالعات ذکر شده در بالا در مورد اینکه از هر گروه قلدر، قربانی و قلدر/قربانی چند درصد در قلدری شرکت دارند گزارشی ارائه نکرده‌اند. یکی از اولین گزارش‌ها در این مورد در نورژ توسط الویوس (۱۹۹۳) با نمونه ۵۶۸۰۰۰ هزار نفری دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی ارائه شد. در این مطالعه الویوس گزارش کرد که ۹٪ دانش‌آموزان در گروه قربانی، حدود ۷٪ گروه قلدر و حدود ۱/۶٪ در گروه قلدر/قربانی قرار دارند. نتایج دیگر مطالعات در کشورهای مختلف به شرح زیر است: در ایالات متحده امریکا ۱۳٪ در گروه قلدر، ۱۰/۶٪ در گروه قربانی و ۶٪ در گروه قلدر/قربانی قرار داشتند (نانسل و همکاران، ۲۰۰۱) و در بریتانیا در مدرسه ابتدایی ۴/۳٪ در گروه قلدر، ۱۰/۲٪ در گروه قلدر/قربانی و ۸/۸٪ در گروه قربانی قرار داشتند (ولک^۲ و همکاران، ۲۰۰۰). در پژوهشی در قبرس که از یک نمونه‌ی دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۵ ساله از دو مدرسه سال سوم دبیرستان انجام شد، مشخص شد که ۸/۴٪ دانش‌آموزان قلدر، ۱۵/۲۵٪ قلدر/قربانی و ۲۱/۵٪ قربانی قلدری بوده‌اند (کوک کینوس و پانایوتو^۳، ۲۰۰۴). پژوهشی در اسکاتلند از یک نمونه نوجوان در ابتدای آغاز تحصیلی نشان داد که ۷/۵٪ دانش‌آموزان اقدام به قلدری کرده و ۱۶/۷٪ از

-
1. Panayiotis
 2. Wolke
 3. Kokkinos & panayiotou

آن‌ها قربانی قلدری قرار گرفته بودند (کاراتزیس^۱ و همکاران، ۲۰۰۲) و در ترکیه، ۱۰۰٪ دانش‌آموزان گزارش کردند که در طول سال تحصیلی حداقل یک‌بار تحت قلدری قرار گرفته‌اند (کینکسی و سینکیر^۲، ۲۰۰۶). همچنین قابل ذکر است که اشنوهر و نیکلاس^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای نشان دادند که قلدری و قربانی در سنین ۱۱، ۱۳ و ۱۵ سالگی در بین کودکان گرینلند از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است.

با توجه به نبود تحقیقی مناسب در خصوص پدیده قلدری در ایران و اینکه بر اساس نتایج مطالعات ذکر شده درصد قابل توجهی از دانش‌آموزان به صورت قلدر، قربانی و یا شاهد قلدری درگیر قلدری شده و قلدری باعث آسیب‌های جسمی و روان‌شناختی افراد درگیر شده و زمینه را برای آسیب‌های روان‌شناختی و احتمال وقوع جرم و جنایت در دوران نوجوانی، جوانی و بزرگسالی آماده می‌سازد و با توجه به ماهیت مدرسه و زمان سپری شده دانش‌آموزان در مدرسه، پژوهش حاضر به دنبال بررسی ماهیت و شیوع قلدری در مدارس روستاهای شهرستان زنجان است.

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: پژوهش حاضر از نوع زمینه‌یابی مقطعی هست که در آن سعی شده است اطلاعات توسط پرسشنامه از جامعه و نمونه مشخص جمع‌آوری شده و توصیف گردد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی روستاهای شهرستان زنجان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بود. با توجه به محدودیت‌های موجود در دستیابی به دانش‌آموزان و توزیع پرسشنامه، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس افراد نمونه از ۴ مدرسه وارد پژوهش شدند. در کل ۱۷۵ پرسشنامه بین دانش‌آموزان توزیع شد که از این تعداد ۱۳۲ پرسشنامه به صورت قابل قبول جمع‌آوری شده (۹۳ دانش‌آموز پسر و ۳۹ دانش‌آموز دختر) و ۴۳ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن از پژوهش حذف شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، نتایج با کمک روش‌های آمار

-
1. Karatzias
 2. Kepenekci & Cinkir
 3. schnohor & niclasen

توصیفی مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش: پرسشنامه قلدری النا بوکلیرو^۱ و مارسلو داربو^۲ (۱۹۹۱): این پرسشنامه یک مجموعه خودگزارشی و دربردارنده ۴۰ سؤال است. پاسخ هر سؤال دربردارنده چند گزینه است که بسته به ماهیت سؤال این گزینه‌ها از ۴ تا ۹ عدد می‌باشند. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۱ توسط النا بوکلیرو و مارسلو داربو تهیه شده است. در ابتدا و قبل از شروع سؤال‌ها تعریف و مصداق‌هایی از قلدری ارائه شده و هدف طرح این سؤال‌ها نیز مطرح شده است. در ادامه بر بی‌نام بودن پرسشنامه‌ها و عدم درج نام تأکید شده است. این پرسشنامه افکار، عقاید دانش‌آموزان و اتفاقاتی که از آغاز سال تحصیلی جاری برای آنان به وقوع پیوسته است را می‌سنجد. نکته قابل ذکر این است که این پرسشنامه مؤلفه‌هایی مانند تعریف از قلدری، انواع قلدری، نگرش فرد به قلدری، احساس فرد در مورد افراد قلدر و مدرسه، کیفیت روابط با همسالان و کیفیت روابط درون خانواده، مکان‌های پرخطری که در آن قلدری اتفاق می‌افتد، فراوانی قلدری و راهبردها و استراتژی‌های مقابله افراد در مقابل قلدری را می‌سنجد. با توجه به اینکه پرسشنامه مذکور پیش از این ترجمه نشده بود، پس از ترجمه توسط نگارندگان با نظارت دکتری روانشناس بالینی در اختیار چند نفر مترجم ارشد زبان جهت تصحیح قرار گرفت و بعد از تصحیح و کامل شدن ترجمه در راستای هر چه بیشتر قابل فهم بودن برای دانش‌آموزان در اختیار چند دانش‌آموز از گروه نمونه قرار گرفته و مجدداً ویرایش شد.

فرآیند کار: در فرآیند انجام این پژوهش پس از ترجمه و ویرایش پرسش‌نامه، نمونه‌ای از آن در اختیار مدیران مدارس قرار گرفت و پس ارائه توضیحات درباره موضوع پژوهش، هماهنگی‌های لازم در جهت توزیع پرسشنامه به عمل آمد. در ابتدا در مورد هدف این پژوهش به دانش‌آموزان اطلاعات داده شده و به سؤال‌های آنان پاسخ داده شد. سپس پرسش‌نامه در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شد و از آنان خواسته شد آن را به منزل برده و در صورت داشتن علاقه و رضایت پس از تکمیل به مدرسه عودت دهند. باوجود

1. Elena Buccoliero
2. Marcello Darbo

این که در ابتدای پرسش نامه به مواردی از این دست که «این پرسش نامه بی نام بوده و نیازی به درج نام و نام خانوادگی ندارد» و «پرسشنامه شما با دیگر پرسشنامه‌ها درهم آمیخته می شود و قابل شناسایی نیست» اشاره شده است ولی در جریان توضیحات این موارد دوباره یادآوری شد. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها، موارد ناقص از حذف گردید.

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی نشان داد که میانگین و انحراف معیار سن دانش آموزان به ترتیب برابر ۱۳/۹ و ۱/۲ است و از این میان ۳۰/۳٪ دانش آموزان در مقطع اول راهنمایی، ۳۲/۶٪ در مقطع دوم راهنمایی و ۳۷/۱٪ در مقطع سوم راهنمایی بودند. ۷۰/۵٪ شرکت کنندگان در پژوهش دارای جنسیت پسر و ۲۹/۵٪ دختر بودند. همچنین ۱۳/۶٪ از والدین دانش آموزان از نظر تحصیلات بی سواد، ۶۹/۷٪ دارای مدارک ابتدایی، ۱۴/۴٪ دارای مدارک راهنمایی و ۲/۳٪ دارای مدارک دیپلم و فوق دیپلم بودند.

از دانش آموزان خواسته شد تا نظر خود را نسبت به این سؤال که آیا قلدری در مدرسه شما اتفاق می افتد یا نه بیان کنند. بر اساس این سؤال ۸۰/۳٪ دانش آموزان معتقد به وجود قلدری و ۱۹/۷٪ معتقد به عدم وجود قلدری در مدارس بودند. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که ۴۰/۹٪ دانش آموزان شاهد قلدری، ۳۳/۳٪ قربانی قلدری، ۹/۸٪ قلدر و ۱۵/۹٪ ترکیبی از این حالات را تجربه کرده‌اند.

جدول پایین نشان دهنده حالاتی است که دانش آموزان در طول سال تحصیلی تجربه کرده‌اند (قربانی، قلدر، شاهد).

جدول ۱. جدول متقاطع از حالاتی که دانش‌آموزان تجربه کرده‌اند (قربانی، قلدر، شاهد) و جنسیت

جنسیت	کل		تعداد	
	پسر	دختر		
شاهد قلدری کردن دیگر دانش‌آموزان بوده‌اید	۳۹	۱۵	۵۴	
	%۴۱/۹	%۳۸/۵	%۴۰/۹	درصد
توسط قلدرها مورد اذیت قرار گرفته‌اید	۳۰	۱۴	۴۴	
	%۳۲/۳	%۳۵/۹	%۳۳/۳	درصد
مانند دانش‌آموزان قلدر رفتار کرده‌اید	۹	۴	۱۳	
	%۹/۷	%۱۰/۳	%۹/۸	درصد
ترکیبی از این حالات	۱۵	۶	۲۱	
	%۱۶/۱	%۱۵/۴	%۱۵/۹	درصد
جمع کل	۹۳	۳۹	۱۳۲	
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	درصد

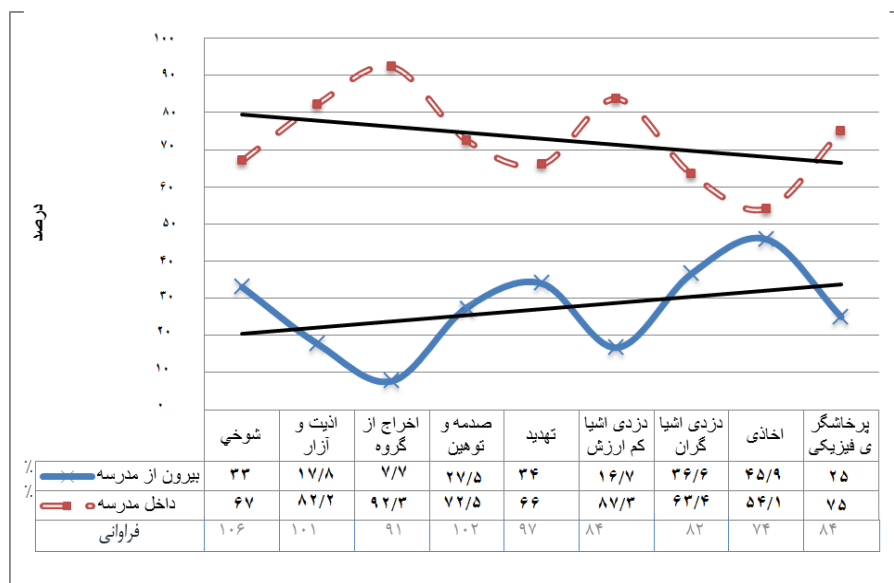
بر اساس این جدول ۴۱/۹٪ پسران شاهد قلدری، ۳۲/۳٪ قربانی و ۹/۷٪ رفتار قلدرانه و ۱۶/۱٪ نیز ترکیبی از این حالات را تجربه کرده‌اند. در مورد دختران به این صورت است که ۴۰/۹٪ دختران شاهد قلدری، ۳۳/۳٪ قربانی قلدری و ۹/۸٪ کسانی دارای رفتار قلدرانه و ۱۵/۹٪ نیز ترکیبی از این حالات (مانند قلدر/قربانی) را داشته‌اند.

از دانش‌آموزان خواسته شد نظر خود را نسبت به این سؤال که چه نوع رفتارهای قلدری در مدرسه شما اتفاق می‌افتد بیان کنند. بر اساس این سؤال مشخص شد که ۵۷٪ موارد قلدری از نوع قلدری کلامی، ۴۰٪ از نوع فیزیکی و ۲/۵۶٪ از نوع اجتماعی/رابطه‌ای است.

در مورد عدم دلایل شرکت در قلدری ۸٪ از دانش‌آموزان بیان کرده‌اند که اگر در فرایند قلدری شرکت نکنند به این دلیل است که دانش‌آموز قربانی جزء دوستان آنان نیست و برای آنان اهمیتی ندارد، ۱۷/۴٪ به علت ترس از درگیری، ۱۸/۲٪ به علت دوستی با قلدر و این که قلدر برای آنان مشکلی ایجاد نمی‌کند، در جریان قلدری شرکت

نمی‌کنند، ۲۷/۳٪ مسئولیت مقابله با قلدر را فقط متوجه قربانی می‌کنند و سایر دانش‌آموزان یعنی ۲۸/۸٪ به این دلیل که از گروه دوستان طرد نشوند در جریان قلدری شرکت نمی‌کنند.

در رابطه با نگرش دانش‌آموزان به افراد قلدر ۵/۳٪ از دانش‌آموزان او را تحسین کرده و فرد قلدر را فردی شایسته می‌دانند، ۶۸/۲٪ از افراد از فرد قلدر می‌ترسند و ۲۶/۵٪ از افراد می‌خواهند در برابر قلدر بایستند و مستقیماً با قلدری مقابله کنند.



نمودار ۱. انواع مختلف قلدری و محل‌هایی که دانش‌آموزان با آن‌ها درگیر بوده‌اند.

نمودار بالا نشان‌دهنده این مسأله است که دانش‌آموزان در داخل مدرسه بیشتر با انواع قلدری درگیر هستند (خط چین منحنی بالا) تا بیرون مدرسه (منحنی پایین) و نکته قابل ذکر این است که با اینکه انواع قلدری در مدرسه به‌طور آشکاری بیشتر از بیرون مدرسه است ولی در داخل مدرسه هرچه پرخاشگری شدیدتر می‌شود - پرخاشگری فیزیکی شدیدترین و شوخی سبک‌ترین - فراوانی آن کمتر می‌شود (خطوط ممتد مستقیم) این در حالی است که در بیرون مدرسه هرچه پرخاشگری سنگین‌تر می‌شود فراوانی آن نیز بالاتر می‌رود.

جدول پایین نشان‌دهنده عکس‌العمل دانش‌آموزان در برابر قلدری است، همان‌گونه که قابل مشاهده است درصد بالایی از رفتارها تقویت‌کننده قلدری هستند.

جدول ۲. عکس‌العمل هم‌کلاسی‌ها در برابر قلدری

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
این کار را خنده‌دار دانسته و جزء طرفداران قلدری کنندگان می‌شوند	۵۰	۳۷/۹
وحشت‌زده می‌شوند	۲۲	۱۶/۷
تظاهر می‌کنند که چیزی اتفاق نی افتاده است	۱۸	۱۳/۶
سعی می‌کنند به قربانی کمک کنند	۲۰	۱۵/۲
فردی که قلدری کرده است را تنها می‌گذارند	۲۰	۱۵/۲
قربانی را از گروه خود بیرون می‌کنند	۲	۱/۵
جمع کل	۱۳۲	۱۰۰

جدول ۳. عکس‌العمل بزرگ‌سالان (معلمان و مراقبین) در برابر قلدری

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
متوجه اتفاقی که افتاده است نمی‌شوند	۳۶	۲۷/۳
تظاهر می‌کنند که چیزی اتفاق نی افتاده است	۱۰	۷/۶
آن‌ها هرگز درجایی که قلدری می‌شود، حضور ندارند	۳۶	۲۷/۳
برای دفاع کردن از قربانی دخالت می‌کنند	۳۹	۲۹/۵
نسبت به اتفاقی که افتاده است می‌خندند و باهم از آن لذت می‌برند	۱۱	۸/۳
جمع کل	۱۳۲	۱۰۰

با توجه به جدول شماره ۳ رابطه با عکس‌العمل بزرگ‌سالان (معلمان و مراقبین) در برابر قلدری، ۲۹/۵٪ از دانش‌آموزان معتقدند که بزرگ‌سالان برای دفاع از قربانی وارد عمل می‌شوند و ۷۰٪ بقیه معتقدند که بزرگ‌سالان متوجه قلدری نمی‌شوند، حضور ندارند و یا تظاهر می‌کنند که اتفاقی نی افتاده است.

در نهایت شرح حال کوتاهی از یک دانش‌آموز که دائماً مورد تهاجم و آزار دانش‌آموزان بزرگ‌تر از خود قرار می‌گیرد، در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت و از آنان

خواسته شد که راه‌حل‌های پیشنهادی خود را از بین گزینه‌های موجود انتخاب کنند. لازم به ذکر است که این سؤال دارای ۱۳ گزینه (شامل: در مورد آن با معلم صحبت می‌کنید، از همکلاسی‌های خود کمک درخواست می‌کنید، وانمود می‌کنید که چیزی اتفاق نیفتاده است، از این دانش‌آموزان در مورد دلایل رفتارشان توضیح می‌خواهید، به هر روشی هم در مدرسه و هم در بیرون از آن‌ها دوری می‌کنید، با هدف صدمه زدن به یکی از آن‌ها به آن‌ها حمله می‌کنید، شما جواب آن‌ها را می‌دهید، به مدیر مدرسه اطلاع می‌دهید، با والدین خود صحبت می‌کنید، از خواهر و برادر بزرگ‌تر خود درخواست می‌کنید تا آن‌ها مداخله کنند، به مدیر می‌گویید) بود که در سه طبقه کلی (فرار و کناره‌گیری، طلب کمک از دیگران و مقابله مستقیم با قلدری) قرار می‌گرفتند. همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است ۱۲/۹٪ از دانش‌آموزان، راه‌حلی انتخاب کردند که در دسته مدارا، فرار و کناره‌گیری قرار می‌گیرند و ۶۶/۷٪ راه‌حل را طلب کمک از دیگران می‌دانند، در نهایت ۲۰/۵٪ از دانش‌آموزان راه‌حل برخورد مستقیم با قلدر و قلدری را پیشنهاد می‌دهند.

جدول ۴. راهبردهای استفاده‌شده توسط دانش‌آموزان در برابر قلدری

درصد	فراوانی	
۱۲/۹	۱۷	مدارا، فرار و کناره‌گیری
۶۶/۷	۸۸	مطرح کردن با دیگران و طلب کمک
۲۰/۴	۲۷	مطرح کردن مسئله با فرد قلدر و مقابله با او
۱۰۰	۱۳۲	جمع

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله جزء اولین مقالاتی است که اطلاعات در مورد شیوع و ماهیت قلدری در مدارس راهنمایی روستایی ایران را ارائه می‌دهد بدین سبب هیچ پیشینه داخلی جهت مقایسه با نتایج این پژوهش یافت نشد. قبل از شروع بحث ذکر این نکته ضروری است که در ادبیات پژوهشی اتفاق نظر بسیار کمی در مورد میزان شیوع قلدری وجود دارد و این امر ممکن

است به‌وسیله مجموعه تعریف‌ها، نمونه مورد استفاده در هر مطالعه و ابزارهای اجرا شده در تحقیقات مورد تبیین قرار گیرد. می‌توان گفت آنچه موجب بروز شکاف بزرگ در نتایج مطالعات شده، شیوه‌های متفاوت مورد استفاده برای تخمین میزان شیوع قلدری است. به‌عنوان مثال در ترکیه ۱۰۰٪ دانش‌آموزان گزارش کردند که در طول سال تحصیلی حداقل یک‌بار تحت قلدری قرار گرفته‌اند (کینکسی و سینکیر، ۲۰۰۶) در حالی که در فنلاند شیوع این مسأله ۱۱٪ گزارش شده است (کالتیالا و همکاران، ۱۹۹۹)؛ اما نتایج مطالعه حاضر، نشان داد که حدود ۸۰٪ دانش‌آموزان معتقد به وجود قلدری در مدارس هستند که در ۱۵/۲٪ از موارد قلدری به صورت گروهی، ۲۱/۲٪ از موارد به صورت فردی و ۶۳/۶٪ از موارد قلدری، ترکیبی از این دو حالت رخ می‌دهد. این نتیجه همسو با نتایج مطالعات صورت گرفته در مدارس دیگر کشورها است که این مطالعات نیز نشان دادند که ۱۱ تا ۸۳٪ کودکان در مدارس درگیر قلدری هستند (دالموس^۱ و همکاران، ۲۰۰۴ و هاریس^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین همسو با مطالعات کینکسی و سینکیر در ترکیه که ۱۰۰٪ دانش‌آموزان گزارش کردند که در طول یک سال تحصیلی، حداقل یک‌بار تحت قلدری قرار گرفته‌اند و دی‌وت^۳ (۲۰۰۵) در آفریقای جنوبی گزارش کرده است که ۸۵٪ دانش‌آموزان و ۹۵٪ معلمان قلدری را به‌عنوان یک مشکل پنداشته‌اند.

همچنین همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میزان وجود گروه قلدر در مدارس در این تحقیق همسو با نتایج پژوهش‌های الویوس (۱۹۹۳) با ۷٪ گروه قلدر، کوک کینوس و پانایوتو (۲۰۰۴) با ۸/۴٪ گروه قلدر و کاراتزیس و همکاران (۲۰۰۲) با ۷/۵٪ گروه قلدر و میزان شیوع گروه قربانی در مدارس همسو با نتایج ولکی و همکاران (۲۰۰۰) با ۳۹/۸٪ قربانی، کوک کینوس و پانایوتو (۲۰۰۴) با ۲۱/۵٪ قربانی و وجود ترکیبی از حالات قلدری (مانند قلدر/قربانی) همسو با نتایج تحقیقات الویوس (۱۹۹۳)، ولک و همکاران (۲۰۰۰) و نانس و همکاران (۲۰۰۱) است. در نتیجه آنچه در این پژوهش مشخص است وجود گروه‌های قلدر، قربانی و قلدر/قربانی در مدارس کشور ایران همانند مدارس کشورهای

1. Dulmus
2. Harris
3. De wet

دیگر است و با توجه به نتایج مطالعات در مورد مشکلات روان‌شناختی، اجتماعی و تحصیلی و اثرات طولانی‌مدت هر سه گروه درگیر در قلدری، تمامی این سه گروه از دانش‌آموزان باید مورد توجه مربیان، روان‌شناسان و دیگر متخصصان بهداشت روانی قرار گیرند. در مورد شیوع انواع قلدری کلامی، فیزیکی و اجتماعی/رابطه‌ای نتایج این مطالعه در مورد شیوع قلدری فیزیکی و کلامی همسو و در مورد قلدری اجتماعی/رابطه‌ای ناهمسو با نتایج مطالعه جی وانگ، جاننوتی و ناسل^۱ (۲۰۰۹) است. در مورد ناهمسو بودن قلدری اجتماعی/رابطه‌ای می‌توان به متفاوت بودن نمونه و ابزار مورد استفاده در دو تحقیق اشاره کرد. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که قلدری در داخل مدارس نسبت به بیرون یا در راه مدارس بیشتر اتفاق می‌افتد. این یافته‌ها همسو با نتایج قبلی است به طوری که کوهن و کانتر^۲ (۲۰۰۳) دریافتند که قلدری بیشتر در داخل مدرسه تا در خارج یا در راه مدرسه اتفاق می‌افتد. همچنین در مطالعه‌ای که توسط فانینگتون^۳ (۱۹۹۳) انجام شد نتایج نشان داد که قلدری در خوابگاه‌ها، زمین‌بازی‌ها، راهروهای مدرسه و در راه یا خارج از مدرسه و به‌دوراز نظارت بزرگسالان بیشتر اتفاق می‌افتد.

اما در مورد گروه شاهدان^۴ قلدری نتایج تحقیق مشخص نمود که ۴۰٪ از دانش‌آموزان شاهد قلدری بوده‌اند. در مورد واکنش‌ها و دلایل عدم دخالت این گروه از دانش‌آموزان در قلدری مشخص شد که بیشتر واکنش‌ها و دلایل این گروه از دانش‌آموزان، تقویت‌کننده (قلدری مانند خندیدن و تمسخر، طرد قربانی، عدم دوست بودن و اهمیت نداشتن فرد قربانی، ترس از طرد گروه و وحشت‌زدگی و حمایت از قلدر، دلیل ترس از درگیری، دوست بودن با فرد قلدری‌کننده) و میزان کمتری از واکنش‌های این کودکان، واکنش‌های مبتنی بر عدم حمایت و تشویق قلدری (مانند طرد قلدر و حمایت از قربانی، دفاع از خود در مقابل افراد قلدر) است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شاهدان تقریباً همیشه هنگام وقوع قلدری حضور دارند و اغلب اوقات نقش حضار را برای قلدری فراهم می‌کنند

1. Jannotti & Nansel
2. Cohn & Conter
3. Fanington
4. Bystanders

که به‌عنوان تقویت‌کننده قلدری عمل کرده و موجب می‌شوند فرد قلدری‌کننده حس قدرت و مقام در بین همسالان کند. گاهی اوقات دانش‌آموزان تماشاگر در قلدری شرکت کرده و سعی می‌کنند به قربانی کمک کنند (اوکونل، پپلر و کرایگ، ۱۹۹۹). بعضی از کودکان به دلیل احتمال تلافی یا ترس از داشتن موقعیت اجتماعی پایین از معاشرت با قربانی‌ها می‌ترسند. این کودکان اغلب به دلیل عدم کمک به قربانی‌ها دچار احساس گناه شده و از گزارش قلدری به مسئولین مدارس به دلیل گرفتن لقب خیرچین^۱ می‌ترسند. تماشاگران معمولاً احساس ناامنی و عدم قدرت جهت اقدام علیه قلدری می‌کنند. بعضی اوقات آن‌ها در مقابل فشار همسالان تسلیم شده و در قلدری شرکت می‌کنند. به دلیل پتانسیل بالای این گروه از کودکان برای حضور در طول تعاملات قلدری، آن‌ها می‌توانند تحت آموزش قرار گرفته و با فراهم آوردن راهبردهای مناسب به جلوگیری از قلدری کمک کنند و به‌جای مشکل، خود تبدیل به حل‌کننده مشکل شوند. اگر فرهنگ مدرسه بتواند برای این کودکان حمایت فراهم کند، آن‌ها دارای پتانسیل شگرفی جهت تأثیر گذاشتن بر کاهش قلدری در مدارس هستند (زیگبر و پپلر^۲، ۱۹۹۳)؛ بنابراین به عنوان بخشی از برنامه پیشگیری موفقیت‌آمیز قلدری فراهم آوردن حمایت و راهبردهای مناسب برای این گروه از کودکان اهمیت بسیاری دارد.

توسعه برنامه‌های مؤثر ضد قلدری مبتنی بر مدرسه مخصوصاً در مدارس روستایی به دلیل کمبود منابع و امکانات در این مدارس بسیار بااهمیت هست. در مورد برنامه‌های مداخله در مورد قلدری یکی از برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر مدرسه توسط الویوس (۱۹۹۳) تهیه شده است. این برنامه به ترویج استفاده از اقدامات مداخله در سطح مدرسه، کلاس درس و فردی می‌پردازد و نشان داده شده است که برای کاهش قلدری مستقیم و غیرمستقیم مؤثر است. اولین گام کلیدی در مورد برنامه‌های ضد قلدری در مدارس روستایی باز کردن خطوط بحث و گفتگو در مورد قلدری هست بدان دلیل که مدیران مدارس روستایی نسبت به پذیرفتن وقوع هرگونه خشونت در سطح مدارس خود امتناع

1. tattler

2. Ziegler & Pepler

می‌کنند (باچاس^۱، ۱۹۹۴؛ رنفرو^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین الویوس (۱۹۹۳) دریافت که معلمان و والدین در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر با دانش‌آموزان در مورد مشکلات قلدری صحبت می‌کنند به همین دلیل درگیری معلمان و والدین در برنامه‌های پیشگیری از قلدری در دیگر موارد مهم هست. افزایش نظارت مسئولین مدرسه به دلیل رابطه معکوس بین میزان نظارت مسئولین مدارس و میزان شیوع قلدری (کلارک و کیسیکا^۳، ۱۹۹۷) از دیگر موارد است. بطوریکه نتایج این مطالعه نیز نشان داد که به هنگام وقوع قلدری اقدامات مسئولین مدرسه بیشتر تقویت‌کننده قلدری بوده‌اند تا کاهش‌دهنده آن. بر همین اساس آموزش کارکنان مدارس در چگونگی مقابله با قلدری یکی دیگر از بخش‌های مهم برنامه‌های ضد قلدری هست. همچنین نتایج مطالعه حاضر در مورد راهبردهای پیشنهادی مقابله‌ای دانش‌آموزان در مورد برخورد با قلدری نشان‌دهنده لزوم آموزش مهارت‌های مناسب مقابله با قلدری در دانش‌آموزان را نیز مشخص می‌شود. به‌طور خلاصه مداخلات ضد قلدری باید دارای ویژگی‌های قابلیت اجرا در سطح کل مدرسه، افزایش بحث و گفتگو در مورد قلدری و بیان پیامدهای قلدری برای دانش‌آموزان درگیر در قلدری باشد (سالمیوالی^۴، ۲۰۰۱). همچنین برای اجرای هرچه بهتر این برنامه‌ها نیاز به درگیر کردن معلمان، مدیران مدارس و والدین، نگهداری سوابق قلدری و افزایش نظارت در سالن‌ها، حیاط ورزش و سالن غذاخوری احساس می‌شود (گاررت^۵، ۲۰۰۱).

با توجه به نتایج تحقیق حاضر که به عنوان یک مطالعه مقدماتی نشان‌دهنده شیوع نسبتاً بالای قلدری در مدارس مورد بررسی است و نیز فقدان روش‌های مؤثر مقابله با پدیده قلدری، چه در دانش‌آموزان و چه در بزرگسالان و مریبان و آسیب‌های جسمی و روان‌شناختی ناشی از پدیده قلدری، پژوهشگران امیدوارند با جلب توجه سیاست‌گذاران حوزه آموزش و پرورش به این پدیده مهم، اقدامات و برنامه‌ریزی‌های لازم برای شناخت جامع و کامل از ابعاد مختلف پدیده قلدری در مدارس کشور و نیز مقابله مؤثر و کارآمد

1. Bachus
2. Renfro
3. Clarke & Kiseiica
4. Salmivalli
5. Garret

با این پدیده در دستور کار قرار گیرد. لذا در این راستا می‌توان با اجرای سیاست‌های مشخص و واحد و ارائه آموزش‌های مناسب و انجام برنامه‌های پیشگیری و مداخله مناسب در مدارس کشور جهت ایجاد محیط آموزشی سالم از وقوع قلدری و ایجاد پیامدهای آسیب‌زای آن جلوگیری کرد. ضمناً در طراحی و اجرای برنامه‌های مقابله با قلدری این نکته مهم در نظر گرفته شود که هدف از مقابله با پدیده قلدری، سرکوب کردن افراد قلدر نیست بلکه آنان نیز در این فرایند آسیب‌دیده و نیازمند دریافت کمک هستند.

منابع

- Andreou, E. Vlachou, A. & Didaskalou, E. (2005). The roles of self-efficacy, peer interactions and attitudes in bully-victim incidents: Implications for intervention policy- practices, *School Psychology International*, 26, 545-562.
- Boulton, M. J. & Underwood, K. (1992). Bully/victim problems in middle school children: *British Journal of Educational Psychology*, 62, 73-87.
- Bachus, G. (1994). Violence is no stranger in rural schools. *School Administrator*, 51, 18-22.
- Boulton, M. J. Truman, M. Murray, L. (2008). Associations between peer victimization, fear of future victimization and disrupted concentration on class work among junior school pupils. *British Journal Education Psychology*; 78:473-89.
- Bjorkqvist, K. (1994). Sex differences in physical, verbal, and indirect aggression: A review of recent research. *Sex Role, s*; 30: 177-88.
- Boulton, M. J. & Smith, P. K. (1994). Bully/victim problems in middle school children: Stability, self-perceived competence, peer acceptance, *British Journal of Developmental Psychology*, 12, 315-325.
- Clarke, E. & Kiseiica, iVI. (1997). a systemic counseling approaches to the problem of bullying. *Elementary School Guidance and Counseling* 31: 310-325.
- Cohn, A. & Canter, A. (2003) *Bullying: Facts for Schools and Parents*. National Association of School Psychologists, Bethesda.
- Dawkins, J. (1995). Bullying in schools: Doctors' responsibilities, *British Medical Journal*, 310, 274-275.
- De wet, C. (2005). Bullying rife in Free State schools, Available at [www, news24, com/ News 24/ South_Africa/ News/ 0, 2-7 1442_1715295, 00, htmI](http://www.news24.com/News_24/South_Africa/News/0,2-7_1442_1715295,00.html) [accessed iVIay 2005].
- Dulmus, C. N. Theriot, M. T. Sowers, K. M. & Blackburn, J. A. (2004). Student reports of peer bullying victimization in a rural school. *Stress, Trauma, and Crisis: International journal* 7(1), 1-16.

- Dake, J. A. Price, J. H. & Telljohann, S. K. (2003). The nature and extent of bullying at schools. *Journal of School Health*, 73(5), 173–180.
- Egan, S. K. & Perry, D. G. (1998). Does low self-regard invite victimization? *Developmental Psychology* 34, 299-309.
- Fannington, D. (1993) Understanding and preventing bullying. In: Tony M (ed), *Crime and Justice: a Review of Research*. Vol, 17, University of Chicago Press, Chicago and London, pp 381-458.
- Gilmartin, B.G. (1987). Peer group antecedents of severe love-shyness in males. *Journal of personality*, 55,467-489.
- Garrett, K. J. (2001). Reducing school-based bullying. *Journal of School Social Work*, 12(1), 74–90.
- Georgiou, ST. & Stavrinides, P. (2008). Bullies, victims and bully/victims: Psycho-social profiles and attribution styles. *School Psychology International*, 29(5), 574-589.
- Harris, S. & Isernhagen, J. (2003). A study of bullying behaviors of 9th and 10th graders in Nebraska and Texas. *Journal of At-Risk Issues*, 9(1), 33–39.
- Hodges, E.V. & Perry, D. G. (1999). Personal and interpersonal antecedents and consequences of victimization by peers, *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 677-685.
- Hoover, J. H. Oliver, R. & Hazler, R. J. (1992). Bullying: Perceptions of adolescent victims in the Midwestern USA, *School Psychology International*, 13, 5-16
- Juvonen, J. Graham, S. & Schuster, M. A. (2003). Bullying among young adolescents: The strong, the weak, and the troubled. *Pediatrics*, 112(6), 1231–1289.
- Kaltiala-Heino, R. Rimpela, M. Rantanen, P. & Rimpel A. (2000). Bullying at school—an indicator of adolescents at risk for mental disorders. *Journal Adolescence*, 23: 661–674.
- Kaukiainen, A. Salmivalli, C. Lagerspetz, K. Tamminen, M. Vauras, M. Ma'ki, H. & Poskiparta, E. (2002). Learning difficulties, social intelligence, and self-concept: connections to bully victim. *Scandinavoan Journal Psychology*, 43, 269-278.
- Kochenderfer, B. & Ladd, G. (1997). Victimized children responses to peers; aggression: Behavior associated with reduced versus continued victimization, *Development and Psychopathology*, 9, 59-73.
- Kumplaine, K. (1998). Bullying and psychiatric symptoms among elementary school-age children, *Child abuse and neglect* Vol. 22 No 7 pp (705-717).
- Gilmartin, B.G. (1987). Peer group antecedents of severe love-shyness in males. *Journal of personality*, 55,467-489
- Kumpulainen, K. Ra'sa'nen. E. (2000). Children involved in bullying at elementary school age: their psychiatric symptoms and deviance in

- adolescence. An epidemiological sample. *Child Abuse Neglect* 24:1567–1577
- Karatzias, A. Power, K. G. & SWANSON, V. (2002). Bullying and Victimization in Scottish Secondary Schools: Same or Separate Entities? *Aggressive Behavior* 28, 45–61.
- Kepenekci, K. Y. & Cinkir, S. (2006). Bullying among Turkish high school students, *Child Abuse and Neglect*, 30, 193–204.
- Kokkinos, C. M. & Panayiotou, G. (2004). Predicting bullying and victimization among early adolescents: associations with disruptive behavior disorders. *Aggressive Behavior* 30, 520-533.
- Kaltiala-Heino, R. Rimpela, M. Marttunen, M. Rimpela, A. & Rantanen, P. (1999). Bullying, depression, and suicidal ideation in Finnish adolescents: school survey, *British Medical Journal*, 319, 348–351.
- Kumpulainen, K. Ra'sa'nen, E. & Henttonen, I. (1999). Children involved in bullying: Psychological disturbance and the persistence of the involvement. *Child Abuse and Neglect*, 23(12), 1253–1262.
- Lagerspetz, K. H. J. Bjorkqvist, K. Berts, M. & King, E. (1982). Group aggression among school children in three schools. *Scandinavian Journal of Psychology*, 23, 45-52.
- Muscari, M. E. (2002). Sticks and stones: The NP's role with bullies and victims. *Journal of Pediatric Health Care*, 16, 22–28.
- Nordhagen, R. Nielsen, A. Stigum, H. Kohler, L. (2005). Parental reported bullying among Nordic children: a population- based study. *Child Care Health Development*, 31(6):693–701.
- Nansel, TR. Overpeck, M. Pilla, RS. RUAN, WJ. Simon smorton, B. & Scheidt, P. (2001). Bullying behaviors among US youth: prevalence and association with psychosocial adjustment. *Journal of the American Medical Association*, 285, 2094-2100.
- Nansel, T. R. Overpeck, M. Pilla, R. S. Ruan, W. J. Simons-Morton, B. & Scheidt, P. (2001). Bullying behaviors among US youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment. *Journal of the American Medical Association*, 285(16), 2094–2100.
- Newcomb, M. D. Abbott, R. D. Catalano, R. F. Hawkins, D. Battin-Pearson, S. & Hill, K. (2002). Mediational and deviance theories of late high school failure: Proces 31 roles of structural strains, academic competence, and general versus specific problem behaviors. *Journal of Counseling Psychology*, 49, 172–186.
- Olweus, D. (1993). *Bullying at School: What we know and what we can do.* Cambridge, (1993) MA: Blackwell.
- Tanaka, T. (2001). The identity formation of the victim of shunning. *School Psychology International*, 22, 463-476.

- Owens L, Shute R. Slee, P. (2000). "Guesswhat I just heard!": Indirect aggression among teenage girls in Australia. *Aggressive Behavior*; 26:67-83
- Panayiotis, S. Anan, P. (2010). CHaralambos T, CHrysostomos L (2010) Prevalence of Bullying among Cyprus elementary and high school student. *International journal of violence and school*, 11, September 2010, 114-128.
- Prewitt, P. W. (1988). Dealing with bullying among Japanese students. *School Psychology International*, 9, 189-195.
- Roland, E. (2002). Aggression, depression, and bullying others. *Aggressive Behavior*; 28:198-206.
- Roland. (1989). *A system oriented strategy against bullying*. In E. Roland & E. Munthe (Eds). *Bullying: An international perspective* (pp. 143- 151). London: David Fulton Publishers.
- Renfro, J. Huebner, R. Callahan, C. & Ritchey, B. (2003). Violent behaviors in rural and urban schools. *Journal of School Violence*, 2(4), 111-122.
- Smith, P. K. & Brain, P (2000). Bullying in schools: Lessons from two decades of research. *Aggressive Behavior*, 26, 1-9.
- Suckling, A. & Temple, C. (2002). *Bullying – A Whole School Approach*, London: Kingsley Publishers Ltd.
- Smith, P. K. & Brain, P. (2000). Bullying in schools: Lessons from two decades of research. *Aggressive Behavior*, 26, 1-9.
- Salmon, G. James, A. Smith, DM. (1998). Bullying in schools: self-reported anxiety, depression, and self-esteem in secondary school children. *British Medical Journal*, 317:924-925.
- Seals, D. Young, J. (2003). Bullying and victimization: prevalence and relationship to gender, grade level, ethnicity, self-esteem, and depression. *Adolescence* 38:735-747.
- Stephenson, P. & Smith, D. (1989). Bullying in the junior school. In D.P. Tattum & D. A. Lane (Eds.), *Bullying in schools* (pp. 45-57). Stoke on Trent, England: Trendham Books Limited.
- Schnohr, C. Volmer-Larsen, Niclasen. B. (2006). Bullying among Greenlandic school-children: development since 1994 and relations to health and health behavior. *International Journal of Circumpolar Health* 65(4):305-312.
- Salmivalli, C. (2001). Peer-led intervention campaign against school bullying: Who considered it useful, who benefited? *Educational Research*, 43(3), 263-278.
- Ttofi, M. David, F. & Baldry, A. (2008). *Effectiveness of Programs to Reduce School Bullying*. Stockholm: Swedish Council for Crime Prevention.

- Van der Wal, MF. de Wit CAM. & Hirasing, R. A. (2003). Psychosocial health among young victims and offenders of direct and indirect bullying. *Pediatrics* 111:1312–131.
- Veenstra, R. Lindenberg, S. Oldehinkel, A. J. Dewinter, A. F. Verhulst, F. C. & Ormel, J. (2005). Bullying and victimization in elementary schools: a comparison of bullies, victims, bully/victims, and uninvolved preadolescents. *Developmental Psychology*, 41, 672–682.
- Wolke, D. Woods, S. Bloomfield, L. & Karstadt, L. (2000). The association between direct and relational bullying and behavior problems among primary school children. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 8, 989–1002.
- Wang, j. Iannotti, R. J & Nansel, T, R. (2009). School Bullying Among Adolescents in the United States: Physical, Verbal, Relational, and Cyber. *Journal of Adolescent Health* 45: 368–375.
- Whitney, I. & Smith, P. K. (1993). A survey of the nature and extent of the bullying in junior /middle and secondary school. *Educational Research*, 35 3-25.
- Wolke, D. Woods, S, Bloomfield, L. & Karstadt, L. (2000). The association between direct and relational bullying and behaviour problems among primary school children. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 8, 989–1002.
- Yang, S-J. Kim, J-M. Kim, S-W. Shin, I-S. Yoon, J-S. (2006). Bullying and victimization behaviors in boys and girls at South Korean primary schools. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry* 5:69–77.
- Ziegler, s. & Pepler, d. j. (1993). Bullying at School: Pervasive and persistent (Special Issue: *Violence in School/ Schooling in Violence*). *Orbit*, 24, 29-31.